

اصل برائت و حقوق شهروندی و ریشه‌های آن

ابراهیم فیروزیان حاجی^۱

چکیده

امروزه با توجه به این که دولت‌ها از تمام امکانات و ابزارهای قدرت برخوردار بوده و عدم کنترل آن ممکن است موجب بروز مفسده و سوء استفاده از قدرت گردد. به منظور ایجاد توازن بین موقعیت افراد جامعه و شهروندان با ابزار و امکانات اعمال قدرت حاکمه، وجود اصول حقوقی در دفاع از افراد و شهروندان جامعه در مقابل حاکمیت و قدرت عمومی، ضروری به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر محدود کردن حاکمیت ممکن است زمینه سوء استفاده را برای برهم زدن نظم جامعه فراهم نماید، به همین دلیل می‌بایست به گونه‌ای وضع قاعده نمود که تأمین کننده هر دو هدف باشد.

اصل برائت به عنوان اصل اساسی، ضامن آزادی‌ها و حقوق شهروندی مشروع و قانونی افراد جامعه نقش بسیار مهمی در تأمین حقوق شهروندی و آزادی‌های فردی و همچنین حفظ کرامت و حیثیت شهروندان در برابر متعرضان و افراد مغرض دارد.

کلید واژه‌ها: حقوق شهروندی، اصل برائت، قانون اساسی، حقوق متهم.

مقدمه

برخورداری از حسن نیت نسبت به رفتار اجتماعی دیگران و پرهیز از بدگمانی، سوء ظن و یا برجسب زدن، یکی از عناصر مهم ایجاد بهداشت روانی در جامعه و تضمین امنیت و آرامش واقعی برای شهروندان محسوب می گردد. ضرورت تامین و عدم تخلف از این حقوق اقتضا دارد که تضمیناتی نسبت به آنها پیش بینی شود، تا راه بر متعدیان نسبت به حقوق شهروندی بسته شده و شهروندان نسبت به تامین آرامش و امنیت روانی و جسمانی خود اطمینان داشته باشند.

ابعاد فرهنگی و ذهنی اصل برائت در حقیقت تضمینی برای استقرار این امنیت و آزادی در جوامع انسانی می باشد چرا که اگر افراد جامعه دائما در معرض اتهام و بدگمانی قرار گیرند امنیت و آسایش روانی از آنها سلب می شود. ظهور عملی اصل برائت در اعمال، رفتار، گفتار و پندار اعضاء جامعه موجب تقویت و ایجاد احساس امنیت در اشخاص گشته و این احساس امنیت در پابندی و تعلق به ارزش های جامعه و رعایت قانون و حقوق دیگران مهمترین نقش را ایفا می کند. این اصل به عنوان ضامن آزادی ها و حقوق مشروع و قانونی افراد جامعه نقش بسیار مهمی در تأمین حقوق شهروندی و آزادی های فردی و همچنین حفظ کرامت و حیثیت شهروندان در برابر متعرضان و افراد مغرض دارد. به این منظور در این مقاله ابتدا به بررسی اصل برائت پرداخته و سپس حقوق شهروندی مورد بررسی قرار گرفته و در پایان نیز رابطه اصل برائت و حقوق شهروندی مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

۱- اصل براءت

۱-۱- تعریف اصل براءت از دیدگاه فقهاء

در اصول فقه از چهار اصل: براءت، احتیاط، تخییر و استصحاب با عنوان اصول عملی یاد می‌شود، و مراد از اصول عملی، اصولی هستند که در هنگام جهل نسبت به حکم شرعی واقعی، تکلیف مکلف را در مقام عمل مشخص می‌کنند (مظفر، محمدرضا، ۱۷/۱). منظور از اصل براءت این است که اگر مجتهد شک در تکلیف کند، چه شک در وجوب (شبهه و جوبیه) و چه شک در حرمت (شبه تحریمیه) و دلیل معتبری هم بر حکم مورد شک پیدا نکند شرعاً (براءت شرعیه) و عقلاً (براءت عقلیه) آزاد است و می‌تواند محتمل الوجوب را ترک کند و محتمل التحريم را مرتکب شود و اگر چه در واقع هم واجب بوده باشد ولی او ترک کرده باشد و یا حرام بوده باشد ولی او مرتکب شده باشد، بر او عقاب و مؤاخذه ای نیست. ضمناً فرقی نمی‌کند که منشأ شبهه، فقدان دلیل باشد یا اجمال دلیل و یا تعارض نصین (محمدی، علی، ۲۳۳/۴). مرحوم آخوند خراسانی در کفایه الاصول چنین می‌نویسد: «لو شک فی وجوب شیء او حرمته و لم تنهض علیه حجة شرعاً و عقلاً ترک الاول و فعل الثانی و کان مأموناً من عقوبة مخالفته کان عدم نهوض الحجة لإجل فقدان النص أو اجماله و احتمال الكراهة أو الاستحباب أو تعارضه...» (خراسانی، ۱۳۶). با این مضمون که: «اگر در وجوب یا حرمت چیزی شک شده و حجت و دلیلی بر آن نباشد از نظر شرع و عقل می‌توان شک اول را ترک، و دومی را به جا آورد و از عقوبت مخالفش در امان بود.»

به عبارت دیگر مرحوم آخوند می‌فرماید: اگر مجتهد شک در تکلیف کرد، چه شک در وجوب باشد (شبهه و جوبیه) و چه شک در حرمت باشد (شبهه تحریمیه) و دلیل معتبری هم بر حکم مورد شک پیدا نکرد، شرعاً (براءت شرعی)

و عقلاً (برائت عقلی) آزاد است و می‌تواند محتمل الوجوب را ترک کند، محتمل التحريم را مرتکب می‌شود و جای هیچ نگرانی هم نیست و از باب عقاب خیالش آسوده باشد که ولو در واقع هم واجب بوده و او ترک کرده عقاب نخواهد شد، یا حرام بوده و مرتکب شده مؤاخذه نخواهد داشت؛ ضمناً فرقی ندارد که منشأ شبهه نبودن دلیل معتبر باشد یا اجمال دلیل باشد و یا تعارض نصین (محمدی، ۲۳۳). علامه حیدری نیز در تعریف اصل برائت آورده‌اند: «برائت یعنی اینکه ذمه انسان از تکلیف بدی باشد» (حیدری، ۲۳۷)

با توجه به موارد پیش گفته، باید گفت در هر جا که در وجود تکلیف بر ذمه شخصی دچار شک و تردید شدیم با توجه به اصل برائت باید قائل به این شویم که ذمه آن شخص از تکلیف بری بوده چرا که تحمیل تکلیف بر اشخاص و محدود کردن آزادی آنها نیازمند دلیل بوده و بدون دلیل قاطع و روشن عقلاً و شرعاً جایز نیست که تکلیفی را بر اشخاص تحمیل نماییم.

علمای علم اصول، اصل برائت را بر مبنای دلایل و مستندات آن به دو دسته تقسیم نموده‌اند: ۱- برائت عقلی ۲- برائت شرعی (نقلی).

یکی از ادله‌ای که اصولیین جهت اثبات اصل برائت به آن تمسک جسته‌اند دلیل عقل است.^۱ به این بیان که هر انسان عاقلی، عقاب و مجازات و مؤاخذه را بدون دلیل و برهان قبیح می‌داند که در واقع همان قبح عقاب بلا بیان می‌باشد. به عبارت دیگر؛ هر گاه در مورد عملی از طرف شارع و قانون‌گذار حکمی به مکلف نرسیده باشد، قاعده قبح عقاب بلا بیان می‌گوید: ارتکاب عدم ارتکاب عملی که شک در حرمت یا وجوب آن داریم، دارای کیفر و مؤاخذه نخواهد بود چرا که مجازات چنین شخصی از دید هر انسان عاقلی قبیح است.

۱- به تفصیل در مستندات اصل برائت بحث شده است.

اصولین برای اثبات حجیت اصل براءت به ادله اربعه (کتاب، سنت، اجماع و عقل) تمسک جسته‌اند، در این مقاله با توجه به اینکه محوریت مسأله حول موضوع دیگری است به اختصار به ذکر این دلایل پرداخته و محققان و پژوهشگران را برای دیدن مباحث تفصیلی به کتب معتبر اصولی ارجاع می‌دهیم:

۱- آیاتی از قرآن: (آیات قرآن و براءت)

الف) «**لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا**»: «خداوند هیچ کس را جز بدانچه بدو داده است تکلیف نمی‌کند.» (الطلاق، ۵).

عده‌ای از فقها دلالت آیه فوق بر اصل براءت را روشن و واضح دانسته‌اند ولی شیخ انصاری دلالت آیه فوق را بر مسأله براءت واضح نمی‌داند (انصاری، ۱۱۶). مرحوم آخوند خراسانی نیز در کفایه، هیچ اشاره‌ای به این آیه ننموده‌اند و به نظر می‌رسد که ایشان نیز آیه فوق را مناسب جهت استدلال بر اصل براءت نمی‌دانند. لکن شهید صدر و محقق عراقی، این آیه را به عنوان یکی از مستندات اصل براءت می‌دانند (صدر، ۲/۳۲۳).

ب) «**وَمَا كُنَّا مَعَدِّينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا**» (الاسراء، ۱۵): «ما عذاب کننده نیستیم مگر هنگامی که فرستاده‌ای برانگیزیم.» این آیه بر این امر دلالت دارد که خداوند متعال تا زمانی که پیامبر و رسولی نفرستد، کسی را عذاب نمی‌کند.

اکثر اصولین در دلالت این آیه بر حجت اصل براءت اتفاق نظر دارند. البته آخوند خراسانی در کفایه الاصول بعد از اینکه عنوان می‌دارند. ظهور آیه فوق در مسأله براءت از بقیه آیات بیشتر است... اما در پایان، استدلال به این آیه را نیز برای اثبات حجیت اصل براءت ضعیف دانسته و معتقدند از آیات قرآن برای اثبات حجیت اصل براءت نمی‌توان استفاده کرد (خراسانی، ۴/۲۳۴ - ۲۳۶).

ج) «**وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا**

یتقون إن الله بكل شیء علیم (التوبه، ۱۱۵): «و خداوند بر آن نیست که گروهی را بعد از آن که هدایتشان کرد به ضلالت بکشاند مگر آنکه آنچه را باید از آن پروا کنند بر ایشان بیان کرده باشد. آری خدا به هر چیزی داناست.»
دلالت این آیه به این نحو است که خداوند متعال قومی را گمراه نمی کند مگر بعد از بیان آن تکالیف و حدودی که باید رعایت نمایند و تعبیر «بین لهم» نشان دهنده این امر است که مراد «وصول بیان» است.

۲- روایات و برائت

الف) حدیث اطلاق: قال الصادق (ع) «كل شیء مطلق حتی یرد فیہ نهی»: هر چیزی مطلق (مباح) است تا این که نهی بر آن وارد شود (وسائل الشیعه، ۱۸/۱۲۷، باب ۱۲، حدیث ۶۰) به موجب این روایت انسان‌ها از انجام هر چیزی که نهی نشده‌اند آزاد می‌باشند. حال اگر در خصوص موضوعی هم واقعاً نهی وارد شده باشد ولی به مکلفین نرسیده باشد مثل این است که اصلاً نهی وارد نگردیده است و حکم به برائت می‌شود. مرحوم شیخ انصاری نیز دلالت این روایت بر جریان اصل برائت را پذیرفته‌اند (همو، الرسائل، ۳۲۷).

ب) حدیث رفع

مرحوم صدوق در کتاب خصال حدیثی را نقل می‌کند بشرح زیر:

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: رفع عن امتی تسعة: الخطأ و النسیان و ما اکرهوا علیه و ما لا یعلمون و ما لا یطیقون و ما اضطرروا الیه... (صدوق، ۲/۲۲۷).
«از امت من نه چیز برداشته شده است: خطا، فراموشی، آنچه بر آن اکراه شده‌اند، آنچه نمی‌دانند، آنچه فوق طاقت ایشان است، آنچه بدان مضطر شده‌اند...»

تکیه اصولیین به این حدیث برای اثبات حجیت اصل برائت به عبارت «ما لا یعلمون» می‌باشد که عبارتست از اموری که انسان‌ها بدان آگاهی ندارند یعنی

اصل براءت و حقوق شهروندی و ریشه‌های آن /// ۱۷۱

اگر به دلیل عدم علم به حکمی، خلاف آن را مرتکب شوند، مؤاخذه و عقابی بر آن فصل آن‌ها مترتب نخواهد بود.

ج) حدیث حجب

قال الصادق(ع): ما حجب الله علمه عن العباد فهو مرفوع عنهم(حرعاملی، ۱۸/۱۱۹): «آنچه خداوند متعال دانش آن را از بندگان پوشیده نگه داشته است از ایشان برداشته شده و در آن تکلیفی ندارند.» به عبارت دیگر «معنای حدیث این است که هر حکم الزامی که علم آن از بندگان محجوب است و ما نسبت به آن علم نداریم و الزام مجهول است در ظاهر این الزام از بندگان مرفوع است و در حق آن‌ها فعلی نیست. در نتیجه مؤاخذه هم ندارد و معنای براءت جزء این نیست.»(علی محمدی، ۲۴۸/۴).

د) حدیث حلیت

قال الصادق(ع): «كل شيء هو لك حلال حتى تعرف (تعلم) انه حرام بعينه فتدعه...»(حرعاملی، ۱۲/۶۰) «هر چیزی همواره برای تو حلال است تا زمانی که علم به حرمت آن پیدا کنید.

۳- اجماع و براءت

برخی از اصولیین برای اثبات اصل براءت به اجماع نیز استفاده نموده‌اند ولی استناد به اجماع در اینجا خالی از وجه می‌باشد چرا که در مسأله شك در تکلیف که هم دلیل قاطع عقلی و هم دلیل واضح و روشن نقلی داریم نوبت به اجماع نمی‌رسد و با فرض وجود اجماع، به دلیل وجود دلایل نقلی، اجماع مدرکی هم حجیت نداشته و قابل اعتنا نیست.

آخوند خراسانی نیز در بحث اجماع چنین می‌فرماید: «و اما الاجماع فقد نقل علی البرائة الا انه مرهون ولوقبل باعتبار الاجماع المنقول فی الجملة، فان تحصیله فی

مثل هذه المسئلة مما للعقل اليه سبيل و من واضح النقل عليه دليل بعيد جداً» «نقل اجماع بر براءة مرهون است اگر چه اجماع منقول را اجمالاً معتبر و حجت بدانیم، زیرا تحصیل آن در مثل این مسأله که حاکمش عقل بوده و علاوه بر آن دلیل نقلی واضح بر آن موجود است، بسیار بعید به نظر می‌رسد.» (آخوند خراسانی، ۳۹۰).

لذا همانطور که گفته شد با این همه دلیلی که از قرآن و سنت در مسأله حجیت برائت گفته شد اگر اجماعی هم حاصل گردد، یادآوری این نکته لازم است که اگر دلایل استنادی برای حجیت اصل برائت (قرآن، سنت و اجماع) باشد، این نوع برائت، برائت شرعی (نقلی) نامیده شده است.

۴- عقل و برائت

عمده‌ترین دلیلی که برای اثبات حجیت اصل برائت می‌توان بدان استناد کرد، دلیل عقلی - دلیل عقلایی - است و مقصود از دلیل عقل همان قاعده عقلی «قبح عقاب بلا بیان» می‌باشد یعنی از نظر هر انسان عاقلی عقاب بدون بیان و مؤاخذه بدون دلیل و برهان قبیح و ناپسند می‌باشد.

نظر آخوند خراسانی در مورد دلیل عقل:

«و اما العقل فانه قد استقبل بقبیح العقوبه و المؤاخذه علی مخالفة التکلیف المجهول بعد الفحص و الیاس عن الظفر بما کان حجة علیه، فانهما بدونها عقاب بلا بیان و مؤاخذه بلا برهان و هما قبیحان بشهادة الوجدان» (آخوند خراسانی، ۳۹۰). «عقل به طور مستقل حکم می‌کند که عقوب و مؤاخذه بر مخالفت تکلیف مایوس گشته و دستش از حجتی که دلالت بر آ» نماید کوتاه مانده قبیح می‌باشد، چه آنکه عقوبت و مؤاخذه بر تکلیف مجهول بدون حجت معتبری که بر آن قائم باشد از قبیل عقاب بلا بیان و مؤاخذه بلا برهان محسوب شده که هر دو به شهادت وجدان قبیح می‌باشند.» بنابراین می‌توان گفت که ادله شرعی برائت در واقع نوعی ارشاد

اصل برائت و حقوق شهروندی و ریشه‌های آن /// ۱۷۳

به حکم و دریافت عقل انسان در این خصوص است چرا که دلیل عقلی کاملترین دلیل برای اثبات حجیت برائت می‌باشد.

۲-۱- برائت از دیدگاه حقوقدانان

اصل برائت را می‌توان میراث مشترک حقوقی همه ملل متمدن جهان محسوب کرد که به ویژه در یکی دو قرن اخیر مورد اقبال و عنایت خاص حقوقدانان و قانونگذاران در حقوق داخلی کشورها، و موضوع اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌ها در سطح منطقه‌ای یا بین‌المللی قرار گرفته است. حال آنکه مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که از گذشته دور تا یکی دو قرن اخیر جز در برخی نظام‌های حقوقی مانند حقوق اسلامی، اصل برائت حداقل در پاره‌ای از اتهامات پذیرفته نبوده و در صورت عدم توانایی شاکی به ارائه دلایل کافی علیه متهم، اثبات بی‌گناهی به عهده خود متهم واگذار می‌شده است.

به موجب اصل برائت هر کس به ارتکاب جرمی متهم شود، بی‌گناه فرض می‌شود تا گناهکاری او برطبق قانون در یک دادگاه صالح ثابت گردد.

۲- حقوق شهروندی

حقوق شهروندی از مفاهیم مدرن و از لوازم زندگی دموکراتیک افراد در یک جامعه سیاسی محسوب می‌شود. و منظور از آن کلیه حقوقی است که یک شهروند بر اساس قوانین و مقررات و ارزشهای مشترک در یک کشور از آن برخوردار است این حقوق به ویژه در ارتباط دولت و دولتمردان با شهروندان آحاد جامعه مد نظر می‌باشد، که باید از طرف گروه نخست مورد رعایت و احترام قرار گیرد (احمد پور، ۱۳۲).

حقوق شهروندی از موضوعات اساسی مرتبط با کیفیت زندگی اجتماعی

انسانها در عصر مدرن می باشد، تحولات تاریخی و نوسانات زندگی اجتماعی بشر و روابط افراد با دولتها و دلتمردان به نقطه‌ای انجامید که ضرورت وجود قواعدی برای تعیین استانداردهای قابل قبول برای تأمین شرایط مناسب در روابط اجتماعی و روابط دولت و طبقه حاکم با شهروندان احساس گردید، ویژگی های خاص زندگی نوین همراه با پیچیدگی های آن اقتضا نمود که اصول پیشرفته ای به طور جامع و کامل پاسخگویی نیاز بشر در این عرصه و حمایتگر افراد جامعه و شهروندان در برابر طبقه حاکم باشد.

در حقوق اسلامی که معیار آن حفظ کرامت انسان و هویت واقعی اوست (جوادی آملی، ۶۱). بسیاری از این حقوق از جمله حق حیات، حق آزادی بیان و انتقاد، حق تعیین سرنوشت، حق امنیت، حق برابری و عدم تبعیض مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است، بر این اساس شهروندان، افراد مطیع و محکومان حکومت که به عنوان ابزار مطامع شخصی و گروهی حاکمان مورد استفاده قرار گیرند، نمی باشند بلکه در روابط دولت با افراد جامعه به عنوان شهروند همواره این اصل (اصل کرامت انسان) باید مد نظر قرار گیرد و تعیین هر نوع حقوقی بدون در نظر داشتن این اصل مبنایی و نظری اصیل غیر معتبر خواهد بود، رفتار دولتمردان و تعیین قواعد حقوقی و هر نوع تعاملی با شهروندان باید با حفظ کرامت انسان همراه باشد و الا از دیدگاه اسلام مردود و غیر قابل قبول می باشد (همانجا، ۱۶۲).

علاوه بر این، ایران باستان را پایه گذار حقوق شهروندی در جهان دانسته اند. منشور صادر شده از سوی کوروش هخامنشی بسیاری از مبانی و مبادی اولیه حقوق بشر و حقوق شهروندی را مورد تأکید قرار داده است، منع برده داری و به اسارت گرفتن آزادگان، رعایت حقوق کارگران و شرایط مناسب کار، منع نسل کشی (در حمله بابل)، تساوی افراد در برابر قانون و مانند آن در اسناد به دست آمده

قابل مشاهده است و حتی برخی بر آنند که این منشور همان نوشته ای است که امروزه «اعلامیه حقوق بشر» می خوانند (جنیدی، ۳۵).

در راستای همین هدف، حضرت امام خمینی (ره) در تاریخ ۶۱/۹/۲۴ یعنی پس از گذشت چهار سال از پیروزی انقلاب اسلامی فرمان هشت ماده‌ای خطاب به قوه قضائیه و تمام ارگان‌های اجرائی در خصوص حقوق شهروندی را صادر کردند و نشان دادند که این حقوق بخشی از گفتمان جمهوری اسلامی است. به موجب ماده چهارم این فرمان، هیچ کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باید باشد، توقیف نماید، هر چند مدت توقیف کم باشد، توقیف یا احضار به عنف جرم است و موجب تعزیر شرعی است، همچنین وفق بند پنجم، هیچ کس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیر منقول و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید مگر به حکم حاکم شرع، آن هم پس از بررسی دقیق ثبوت حکم از نظر شرعی، در بند ششم نیز به حرمت خانه و محل کار شخصی اشاره شده است.

۳- اصل برائت ضامن حقوق شهروندی

با توجه به این که دولت از تمام امکانات و ابزارهای قدرت و زور برخوردار است و عدم کنترل آن ممکن است موجب بروز مفسده و سوء استفاده از قدرت گردد لذا به منظور ایجاد توازن بین موقعیت افراد جامعه و شهروندان با ابزار و امکانات اعمال قدرت حاکمه، وجود اصول حقوقی چون اصل برائت در دفاع از افراد و شهروندان جامعه در مقابل حاکمیت و قدرت عمومی، ضروری به نظر می رسد.

اصل برائت به عنوان یکی از معیارهای اعمال عدالت، از سنگرهایی است که انسان در پناه آن توانسته است رمز مقابله با تجاوز و تعرض به حقوق خود را دریابد

و احساس امنیت و آزادی را در وجود خود تقویت کند. اصل برائت موجب رعایت شأن و حرمت اجتماعی افراد و تأمین امنیت و آسایش روحی و روانی اعضای جامعه خواهد شد (شاملو، ۲۶۹). مدنظر قرار گرفتن چنین اصل مبنایی در حقوق موضوعه هر کشوری ضامن رعایت حقوق شهروندی و حفظ کرامت انسانی در آن کشور خواهد بود.

۱-۳- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و حقوق شهروندی

قانون اساسی جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۵۸ در فصل سوم خود به حقوق ملت پرداخته است، مهمترین حقوق شهروندی که قانون اساسی جمهوری اسلامی در سایه اصل برائت بر آنها مهر تأیید نهاده است به شرح ذیل می باشد:

- ۱- اصل بر خورداری از حقوق مساوی در اصل ۱۹ ق.ا.
- ۲- اصل مصونیت، حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و آزادی در انتخاب محل سکونت در اصل ۲۲ و ۳۳ ق.ا.
- ۳- اصل ممنوعیت تفتیش عقاید در اصل ۲۳ ق.ا.
- ۴- آزادی اخبار و اطلاعات در اصل ۲۴ ق.ا.
- ۵- اصل عدم تعرض به مکاتبات در اصل ۲۵ ق.ا.
- ۶- آزادی سیاسی و اجتماعی در اصل ۲۶ و ۲۷ ق.ا.
- ۷- اصل آزادی در انتخاب شغل در اصل ۲۸ ق.ا.
- ۸- اصل امنیت فردی در اصل ۳۲ ق.ا.
- ۹- حقوق قضایی شهروندی در اصل ۳۴ ق.ا.
- ۱۰- اصل برائت در اصل ۳۷ ق.ا.
- ۱۱- منع هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع در اصل ۳۸ ق.ا.
- ۱۲- اصل ممنوعیت هتک حرمت و حیثیت متهم و مجرم در اصل ۳۹ ق.ا.

۱۳- حق تابعیت و تغییر آن در اصل ۴۱ ق.ا.

۱۴- اصل حرمت مالکیت در اصل ۴۶ و ۴۷ ق.ا.

۲-۳- قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی

در سال ۱۳۸۳ قانون «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» به تصویب مجلس رسید و به نام بخشنامه حقوق شهروندی در قوه قضائیه دستور کار واحدها گردید. در چهارچوب قانون «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» بسیار تلاش شده است تا با توجه به نارسایی‌ها، و پیچیدگی‌هایی که در نظام قضایی کشور وجود دارد از حقوق شهروندان در برابر نهادهای قضایی و ضابطان دادگستری پاسداری شود. تدوین این قانون اقدامی است در راستای از میان بردن تعرضات احتمالی به حقوق شهروندان که در آن بر مواردی تأکید شده که با موازین حقوق بشر و اصول قانون اساسی ایران هماهنگی دارد.

در این قانون بر آزادی و امنیت شخصی، ممنوعیت شکنجه، رعایت حقوق دفاعی متهم، حفظ حریم خصوصی، اصل برائت و امنیت فردی و... تأکید شده است (قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مصوب ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۸۳، روزنامه رسمی، شماره ۱۷۲۴۹، ۱۳۸۳/۳/۲).

۳-۳- اصل برائت ضامن حقوق متهم

تحقق عدالت کیفری همواره در طول تاریخ آرزوی انسان‌های عدالت‌خواه بوده و هست و بدون تردید عدالت کیفری که هدف هر دادرسی کیفری است بدون برقراری محاکمه منصفانه که در آن حقوق شهروندی و آزادی‌های متهم محترم شمرده شود هرگز فرصت ظهور نخواهد داشت. امروزه به دلیل اینکه حقوق جزا و به ویژه دادرسی کیفری تحت نفوذ کامل حقوق عمومی در آمده است و مقامات تعقیب در امور کیفری اعم از دادستان و غیره به عنوان مدعی العموم در

مقابل متهم، دارای قدرت زیادی هستند که به موجب آن به راحتی امکان استفاده از قوای عمومی و دیگر تضمینات ویژه را دارا می باشند و در مقابل متهم از هیچ یک از این امکانات بهره مند نیست کفه ترازوی عدالت کیفری به نفع مدعی العموم سنگینی می کند (خزائی، ۱۳۹). با این شرایط عدالت حقوقی بیش از پیش لزوم اعمال اصل برائت در امور کیفری را آشکار می سازد که با پذیرش آن، آثار مختلف حقوقی بر آن بار می شود که در تمامی آنها به شکلی حقوق متهم مورد حمایت قرار می گیرد. مهمترین قلمروهای اصل برائت کیفری در رابطه با حقوق متهم عبارتند از:

۳-۳-۱- مرحله تحقیقات مقدماتی ضابطین دادگستری

مرحله تحقیقات مقدماتی یکی از مراحل مهم دادرسی های کیفری می باشد که نقش بسیار مهمی در حاکمیت بخشیدن به اصل برائت یا نقض آن دارد. پلیس یا نیروی انتظامی یکی از ارکان مهم برقراری امنیت و آسایش عمومی محسوب می گردد و چنانچه عملکرد اصولی و منطبق با قانون نداشته باشد خود از عناصر کاهش ضریب امنیت خواهد بود و چنانچه دستگاه نیروی انتظامی و ضابطین دادگستری در عمل پایبند به اصل برائت کیفری باشند در ترویج فرهنگ قانونمداری یا در حاکمیت بخشیدن به امنیت روحی و روانی و احساس امنیت شهروندان مهمترین نقش را ایفا می کنند. بنابراین آموزش دستگاه پلیس و امنیتی یک کشور و التزام آنها به اصل برائت کیفری در ترویج و گسترش احساس امنیت افراد جامعه و شهروندان، فرهنگ قانونمداری و کاهش هزینه ها و کمیت پرونده های اتهامی در دستگاه قضائی بسیار حائز اهمیت است. همچنین تکلیف دادستان در نظارت و کنترل بر عملکرد نیروهای ضابط دادگستری به ویژه نیروی انتظامی در تقویت و ترویج فرهنگ التزام به اصل

برائت کیفری بسیار مؤثر و تعیین کننده است (سرمست بناب، باقر، اصل براءت و حقوق کیفری، ص ۳۱-۳۰).

۳-۲-۳- مرحله کشف جرم، تشریفات کنترل هویت و بازرسی

ورود به زندگی خصوصی افراد به هر شکل از نظر اخلاقی مذموم و از نظر قانونی موجب مسئولیت است، حال آنکه تحقیق و رسیدگی درباره یک جرم مستلزم چنین اموری است، برای کشف جرم افراد باید تحت نظر قرار بگیرند، مورد بازرسی واقع شوند و از نظر هویت کنترل شوند، یکی از آثار اصل براءت این است که افراد تا زمان اثبات جرمشان در یک دادگاه صالح بیگناه بوده و بایستی با آنها تا زمان اثبات جرمشان همانند اشخاص و شهروندان بیگناه رفتار شود و لذا توقیف، بازرسی و کنترل هویت اشخاص مغایر با اصل براءت بوده و باید تابع تشریفات خاصی گردد. منظور از تشریفات بازرسی این است که مأموران صلاحیت دار نمی توانند به هر نحو که مایل باشند و در هر زمان که می خواهند مبادرت به بازرسی کنند بلکه بازرسی منازل و اشخاص تابع قواعد تشریفات است که مراعات آنها برای مأموران الزامی می باشد. الزامی بودن رعایت مقررات تشریفات بازرسی از اصل قانونی بودن طرز رسیدگی و نیز اصل براءت ناشی می شود که به موجب آن حقوق اشخاص در قبال خودسری عمال دولت مورد حمایت و صیانت قرار می گیرد (انصاری، ۲۹۴).

برای فهم شأن و منزلت حریم خصوصی افراد و عدم تجسس و کنکاش در زندگی انسانها و لزوم مراعات آن شاید بهترین مرجع، دستور صریح قرآن کریم در آیه ۱۲ سوره حجرات می باشد که می فرماید: **«وَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثْرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّوْا...»** نهی از تجسس در امور دیگران، برای افراد جامعه این امکان را پدید می آورد که از کنجکاوری، کسب اطلاع

و دخالت و مزاحمت سایرین فارغ باشند و به عبارت دیگر حریم خصوصی ایشان محترم شناخته شود. در قانون اساسی ایران نیز به عنوان اولین منبع مهم قانونی و حقوقی کشور در راستای دغدغه حفاظت از این حریم و حقوق افراد و شهروندان تضمیناتی در اصل ۲۵ مغتنم شمرده و مورد حمایت قرار گرفته است: «بازرسی و نرساندن نامه ها، افشای مخابرات تلگرافی، فکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع، و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون» پیش از اصل ۲۵ قانون اساسی در اصل ۲۲ حیثیت افراد در کنار جان، مال، حقوق، مسکن و شغل ایشان مصون از تعرض دانسته شده است.

۳-۳-۳- مرحله تعقیب و دستگیری متهم

اصل برائت و حقوق شهروندی اقتضا می کند که در مرحله تعقیب و دستگیری یکسری تشریفات و مواردی مورد رعایت قرار گیرند. با توجه به اینکه متهم از اصل برائت بهره می برد باید با وی همانند زمان قبل از اتهام برخورد شود و نباید آزادی وی سلب یا محدود شود. در نتیجه جز در مواردی ویژه از قبیل جرایم مشهود و جرایم خاصی که مصلحت متهم یا جامعه اقتضاء می کند و به عبارت دیگر مقتضای عدالت حقوقی است، نباید وی را بازداشت کرد و باید تا آنجا که ممکن است برای تضمین حضور به موقع وی در جلسات دادرسی از راه صدور قرارهای جانشین یا جایگزین های بازداشت موقت عمل نمود، صدور چنین قرارهایی به سبب اینکه خلاف مقتضای اصل برائت می باشد جز با دخالت مقام قضایی امکان پذیر نیست (آشوری، ۲/۲۰۵). همچنین ضابطان باید در اسرع وقت بعد از دستگیری به تفصیل و به زبانی قابل فهم برای متهم او را از نوع و علل اتهام آگاه سازند (نک: اصل ۳۲ ق.ا) و بایستی از معرفی شخص تحت تعقیب به عنوان مجرم تا اثبات اتهام او در یک دادگاه صالح طبق یک دادرسی عادلانه خودداری گردد و بسیاری از

حقوق و امتیازات نیز برای متهم در هنگام تعقیب بایستی به رسمیت شناخته شود و با توجه به اینکه اصل بر براءت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود ضرورت تأمین آزادی و عدم تعرض به آن جز در موارد استثنایی، به خوبی درک شدنی است و باید برای آن تضمینات لازم تدارک دیده شود. (آشوری، بشیریه، هاشمی، یزدی؛ حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، ۱۸۶).

نتایج مقاله

اصل براءت که ریشه‌های مهمی در آیات و روایات دارد، از دیر باز در حقوق اسلامی به عنوان یکی از اصول مترقی پیش بینی شده در حوزه‌های مختلف حقوقی و کیفری، کارایی داشته و به همین دلیل مقنن در قوانین مدنی و کیفری بدان تمسک جسته است. اهمیت اصل براءت در حقوق کیفری آن هم به دلیل اهمیت غیر قابل اغماض آبرو و حیثیت افراد از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و به همین جهت هم اصل بر براءت و بی‌گناهی اشخاص می‌باشد مگر خلاف آن اثبات گردد. امروزه مصونیت از تعرض دیگران یکی از ابعاد مهم امنیت فردی می‌باشد که این مصونیت در صورت نادیده گرفتن اصل براءت و آثار و قلمرو آن خدشه دار می‌گردد، انتساب اتهامات بی‌اساس به افراد و برچسب کیفری به دیگران زدن، یا اتهام ارتکاب اعمال و رفتار خلاف اخلاق به امنیت عمومی چنانچه واقعی نبوده و یا متکی به دلائل و قرائن قابل اثبات نباشد، می‌تواند اعتبار، حیثیت، امنیت روحی و روانی و اجتماعی افراد را متزلزل و مخدوش نماید و در واقع جهت مقابله با این تعرض و به منظور نظم بخشیدن به روابط اجتماعی و انسانی، اصل براءت مورد پیش بینی و تأیید قرار گرفته است. پیش بینی اصل براءت را می‌توان یکی از تدابیر در جهت حفظ امنیت روانی، فیزیکی و ثبات اجتماعی و معنوی افراد جامعه محسوب نمود.

کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم
- ۲- احمد پور، ایوب، درآمدی در مبانی حقوق شهروندی در اسلامی، مجله پژوهش های اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۷ش.
- ۳- انصاری، ولی...، حقوق تحقیقات جنایی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۰ش.
- ۴- آخوند خراسانی، محمد کاظم، کفایه الاصول، نشراسلامی، ۱۴۰۹ق.
- ۵- آشوری، محمد، آئین دادرسی کیفری، تهران، سازمان سمت، ۱۳۷۹ش.
- ۶- آشوری، محمد- بشیریه، حسین- هاشمی، سیدمحمد- یزدی، عبدالمجید: حقوق بشر و مفاهیم مساوات و انصاف و عدالت، چاپ اول، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، فروردین ۱۳۸۳ش.
- ۷- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ سیزدهم، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۲ش.
- ۸- جنیدی، فریدون، حقوق بشر در جهان امروز و حقوق جهان در ایران باستان، انتشارات نشر، ۱۳۸۷ش.
- ۹- جوادی آملی، عبدالله، حق و تکلیف در اسلام، چاپ دوم، نشر اسراء، ۱۳۸۵ش.
- ۱۰- همو، عبدالله، فلسفه حقوق بشر، چاپ پنجم، نشر اسراء، قم ۱۳۸۶ش.
- ۱۱- خزائی، منوچهر، اصل برائت و اقامه دلیل در دعوی کیفری، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۴ و ۱۵، پاییز ۱۳۷۲ تا تابستان ۱۳۷۲ش.
- ۱۲- سرمست بنایی، باقر اصل برائت و حقوق کیفری، چاپ اول، نشر گستر، ۱۳۸۷ش.
- ۱۳- شاملو، باقر، اصل برائت کیفری در نظام های نوین دادرسی، مندرج در علوم جنایی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳ش.
- ۱۴- صدر، باقر، دروس فی علم الاصول، المنظمه العامیه الحوزات و المدارس الاسلامیه، ۱۳۲۰ق.
- ۱۵- کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوقی، چاپ دوم، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱ش.
- ۱۶- محقق داماد، سید مصطفی، مباحثی از اصول فقه «دفتر سوم»، چاپ دوم، انتشارات بهار ۱۳۸۱ش.
- ۱۷- محمدی، ابوالحسن، مبانی استنباط حقوق اسلامی، چاپ هشتم، انتشارات دانشگاه تهران، آبان ۱۳۷۳ش.
- ۱۸- محمدی، علی، شرح کفایه الاصول، چاپ چهارم، انتشارات الامام الحسن بن علی، ۱۳۸۵ش.
- ۱۹- مظفر، محمد رضا، اصول فقه، چاپ هفتم، انتشارات دارالفکر، پاییز ۱۳۸۷ش.